

انقلاب زنده است

انقلاب در چهل سالگی، پیمند... با قدرت، با حفظ شعارها و با پرافراشته بودن پرچم های اصلی، همچنان دارد به پیش می رود

شماره
۱۳۹۷/۰۱/۰۱

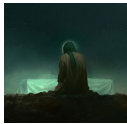


چهل سال عایش
چهل سال سوز کبریا



مثل پیامبر

صفحه ۴



مادر بزرگ انقلاب

صفحه ۳



این قسمت مطالبه گری...

صفحه ۲



علیرضا شبانی

دانشجوی رشته آموزش فیزیک



انقلاب در آموزش و پرورش

نگاهی دوباره به آموزش و پرورش بعد از انقلاب

سطح دبیرستان به مناطقی که حداقل دانش آموز را دارد، تنوع و تعدد تشکلی های دانش آموزی و سطح دسترسی به آموزش ما را به جایی نمی رساند. ممکن است دلخوش شویم و به به و چه چه کنیم که بله، ما در سال چهل انقلاب مفتخریم، که توانستیم نرخ باسوادی را به ۸۷ درصد برسانیم یا در تربیت معلم و استاد دانشگاه خودکفا شده ایم و عدالت آموزشی را رونق بخشیده ایم.

نه! اینجا چیزی نیست که درد ما را امروز تسکین بخشد. ما امروز و در چهلمین سالگرد انقلاب به یک انقلاب دیگر نیازمندیم. انقلابی که سیستم آموزش و پرورش فعلی را متحول کند و بگوید راه حل مشکلات ما این است و برای سالهای آینده برنامه بدهند.

ادامه در صفحه ۲...

در انقلاب های موفق و بزرگ، سخن گفتن از دست آوردها خوب است؛ اما بهتر آن است که از آینده و برنامه برای حل مشکلات موجود سخن گفت. انقلابی که فقط به گذشته خود افتخار کند و چیزی برای آینده نظام و مردم خود نداشته باشد، راه به جایی نمی برد.

یکی از اصلی ترین و موثرترین مقوله های یک انقلاب که حقیقتاً تأثیر به سزایی در آن دارد، نهاد آموزش و پرورش است. امروزه هیچ کشور پیشرفته و توسعه یافته ای را در دنیا نمی توان دید که بدون سرمایه گذاری روی این نهاد توانسته باشد بدرخشد.

در سالگرد انقلاب اسلامی ایران، آن هم چهلمین اش نمی خواهیم از پیشرفت فیزیکی و ایدئولوژیک نظام تعلیم و تربیت صحبت کنیم. یعنی صحبت از رساندن معلم و مدرسه تا

عباس نعمتی

دانشجوی رشته آموزش شیمی



کربلای ۴ و ۵ و والفجر و طریق القدس، روزی فتنه صفین و نهروان بود و روزی دیگر فتنه منافقین و فتنه ۷۸ و ۸۸ و یا ۹۶، روزی می خواستند محمد (ص) و علیرا به قتل برسانند و روزی دیگر خمینی و خامنه ای را، روزی خدا عنکبوت و کبوتر را فرستاد و روزی طوفان شن را، روزی هدف ترور مالک اشتر بود و روزی رجایی و باهنر. روزی بلال را در خانه مشرکان مکه می زدند و روزی زکراکی را در نیجریه، روزی تحریم غذا در شعب ابی طالب بود و روزی تحریم آب در کربلا و روزی دیگر تحریم هسته ای و موشکی در ایران!

حالا ۴۰ سال است که این انقلاب ۱۴۴۰ ساله جان دوباره ای گرفته و پیش می رود، با همه خوبی و بدی هایش. درست است هنوز جمهوری اسلامی به حکومت اسلامی محمد (ص) و علی (ع) نرسیده است؛ اما هنوز ایستاده ایم که بگوییم «انقلاب

۱۴۴۰ سال است که پیامبر اکرم (ص) هجرتشان را آغاز کردند و به کمک مردم مدینه اولین حکومت اسلامی را در مدینه تشکیل دادند. ۱۴ قرن بعد مردی که به قول معلم شعر انقلاب "اسلام را در خامشی آواز داده" از راه رسید و والفجر حکومت اسلامی را به مردم نشان داد.

اکنون ۱۴۴۰ سال از انقلاب محمد (ص) می گذرد و ۴۰ سال از انقلاب خمینی. و چقدر انقلاب خمینی مثل انقلاب محمد (ص) است؛ روزی محمد (ص) به کمک مردم بنای اولین حکومت اسلامی را پایه گذاری کرد و روزی خمینی به کمک مردم شاکله اولین جمهوری اسلامی را، روزی ابوذر بود و سلمان و روزی مطهری و بهشتی و طالقانی، روزی ابو جهل بود و ابوسفیان و روزی ترامپ و نتانیاهو، روزی احد و بدر و خبیر بود و روزی کربلای ۶۱ و روزی دیگر

... ادامه صفحه ۱

انقلاب در آموزش و پرورش

نگاهی دوباره به آموزش و پرورش بعد از انقلاب

ما پس از گذشت چهل سال نیاز به یک انقلاب و دگرگونی نو در آموزش و پرورش داریم.

پایه ریزی و تشکیل یک نظام آموزشی مستقل، خودباور، منعطف و متناسب با فرهنگ و دین ما که بتوانیم آینده‌ی نیروی انسانی کشور را با تکیه بر آن تضمین کنیم، یکی از نیازهای انقلاب اسلامی است. تهیه و تنظیم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هم در راستای پاسخگویی به همین نیاز بود.

آری، زمانی ما به انقلاب خود افتخار می کنیم که نه تنها بتوانیم پاسخ نیازهای روز جامعه را بدهیم؛ بلکه برای آینده جامعه نیز نقشه راه آماده کنیم.

انقلاب اسلامی ایران از این جهت اهمیت و ارزش دارد که بعد از گذشت ۴۰ سال از عمر خود، فقط از گذشته سخن نمیگوید. به راستی که تمام اهمیت و ابهت این انقلاب به همین است.

علیرضا آقایی پور

دانشجوی رشته مشاوره



این قسمت مطالبه گری...

مطالبه گری از کلمه طلب و به معنای خواستن و طلب کردن است. اگر در مقابل هرظلمی که در دانشگاه و جامعه در حق ما می شود سکوت کنیم و با همین فرمان پیش برویم که وامضیت است، دانشجویی که زمانی از دیوار سفارت خانه جاسوسی آمریکا بالا می رفت اکنون فقط مسیر سلف تا خوابگاه را طی میکند، بر میگردد روی تختش لم می دهد نت موبایلش را روشن میکند و تا پاسی از شب مشغول ولگردی چی ببخشید نت گردی در شبکه های اجتماعی است. حال ندارد زیر تختش را تمیز کند برای چای درست کردن و شستن ظرف ها هم با هم اتاقی هایش بر می اندازد، کلا فکرش درگیر این است که سه غیبتش را تنظیم کند که حذف نشود و با استادی که در امر نمره دادن بخشیده تر است انتخاب واحد کند.

ما دانشجوییم و آرمان داریم و به امید و آرمان های مان زنده ایم که به قول شاعر: ما زنده به آنیم که آرام نگیریم/ موجب که آسودگی

ما عدم ماست. بارها دیده ام که دانشجویان فقط بلدند غر بزنند و گله کنند و دریغ از یک مطالبه گری اصولی و صحیح. شام جمعه نان و پنیر است، از فلانی مسئول دانشگاه خوشم نمی آید و هزاران غر دیگر که در گوشه و کنارمان میشنوم. مثلا نمونه موفق یک مطالبه گری درست، قانونی و به موقع پیگیری احکام ورودی های ۹۷ از پیمانی به آزمایشی است؛ اگر نبود همین شبکه اینترنت موبایلی اگر نبود پوشش رسانه ای که به آن ضریب بدهد، اگر نبود روحیه ی حق خواهی و مطالبه گری مان این هم مانند صدتای دیگر به راحتی از کنارش رد می شدند و یک آب هم رویش. در عصر حاضر که همه چیزش محیاست چرا دست به کار نشویم و برای مطالبه گری قدم برنداریم؟

تلخند ماجرا اینجاست که در کشور عزیزمان هرجا اصفافی مثل کامیون داران، کارگران، معلمان و... میخوانند اعتراضی داشته باشند اول

باید چند متر بنر با محتوای انقلاب و شهدا و رهبری چاپ کنند جلوی دوربین ها بگیرند که مبدا افراد معلوم الحالی مثل مسیح علی نژاد، روح الله زم، بی بی سی فارسی و غیره و ذلک با کمک پیاده نظام شان در رسانه ها روی آن موج سواری کنند و یک مطالبه گری به حق را منحرف کنند که برای همیشه مردم این سرزمین مایوس شوند.

اما هوشیار و آگاه باشید که مطالبه گری صحیح باید دائمی باشد نه مقطعی، همراه با فشار از پایین و چانه زدن از بالا باشد قدرت جسارت داشته باشید و با رعایت ادب و منطق با شخص مورد نظرتان گفتگو کنید؛ مبدا احساساتان غلیان کند و با یک بی احترامی پنهان دستشان بدهید که هوچی گری کنند و به ریشتان بخرند، به آنهایی که میگویند این مسیر جواب نمی دهد و مدام آیه ی یاس و نا امیدی میخوانند بگویند فکر غلط شان را عوض کنند، ما معبر این حق خواهی را باز میکنیم.

محمد نظری پور

دانشجوی رشته علوم تربیتی



استاد اصغر طاهر زاده متولد ۱۳۳۰ است. او پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۵۰، در رشته زمین شناسی وارد دانشگاه اصفهان شد و در همین سال پس از آشنایی با مبانی فکری امام خمینی (ره) و کتاب ولایت فقیه یگانه محور زندگی خود را دین قرار داد.

کتابی که امروز قصد معرفی آنرا داریم کتابی است با نام «انقلاب اسلامی برون رفت از عالم غربی»؛ در این کتاب از سلسله مباحث «معرفت دینی»، به بررسی جایگاه تاریخی انقلاب اسلامی و نقش آن در حال و آینده جهان، به ویژه غرب پرداخته می شود.

محمد امین صیادی

دانشجوی رشته علوم تربیتی



انقلاب اسلامی، کشور با اکثریت بی سواد را به رتبه ۱۶ علمی جهان رساند.

انقلاب اسلامی شخصیت دانش آموز را از کتک خوری به قهرمانی المپیادهای جهانی و فرماندهی جبهه رساند.

در طول چهل سال پس از انقلاب، روزی ۱۰ مدرسه و ۵۰ کلاس احداث شده است.

پیش از انقلاب، ۴۰ درصد از کودکان واجب التعلیم اصلا مدرسه نمی رفتند.

پیش از انقلاب (دو سوم) زنان حتی توانایی نوشتن اسم خودشان را نداشتند؛ امروز ۸۶ درصد زنان سواد سوم ابتدایی را دارند.

انقلاب اسلامی، عدالت آموزشی را در خصوص زنان، محرومان و مناطق دور دست برقرار کرد.

انقلاب اسلامی دانش آموز بی خبر از مسائل شهر خودش را به دانش آموز مشرف به مسائل جهانی رساند.

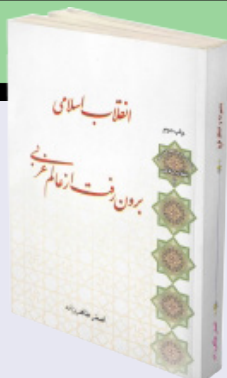
پس از انقلاب سهم دانش آموزان فنی از ۲۳ درصد به ۴۰ درصد رسیده و تعداد هنرستان ها ۱۲ برابر شده است.

پیش از انقلاب اسلامی، ایران هیچ رتبه المپیادی در جهان نداشت ولی اینک همیشه مدال آور و از رتبه های برتر دنیاست.

از لحاظ سرعت رشد سطح تحصیلات ایران از نظر سال های تحصیل مورد انتظار در دنیا رتبه ششم را دارد.

انقلاب اسلامی کشوری با ۵۳ درصد بی سواد را به پرشتاب ترین سرعت علمی جهان تبدیل کرد. ۲۷ دانشگاه داشتیم و امروز ۶۶۰ دانشگاه داریم. ظرفیت دانشگاهی ما ۳۲ برابر شد و از ۱۵۰ هزار دانشجو به ظرفیت حدود ۵ میلیون دانشجو رسیدیم. اعضای هیئت علمی دانشگاه ها ۲۳ برابر و از ۴ هزار نفر به ۹۰ هزار افزایش یافته است.

سال های مورد انتظار تحصیل در ایران از رتبه ۱۱۴ جهانی ۶۹ رتبه صعود کرده است و به ۴۵ رسیده است.



نویسنده با اعتقاد به اینکه دنیای غرب دیگر جایی در عالم ندارد، انقلاب اسلامی را به عنوان روح معنوی این عصر که هرگز کهنه نمی شود، معرفی می کند. مولف با توجه به این قاعده که «با آغاز عهد تازه، تاثیر آن چه به گذشته تعلق دارد، کم می شود» روشن می کند که چگونه با حضور انقلاب اسلامی در عالم، عهد الهی از یاد رفته ی بشر به او برمی گردد و در آن راستا فرهنگ غربی در عالم به سرعت فروکاسته می گردد و می گوید به این دلیل باید به آینده ی انقلاب اسلامی امیدوار بود.



مادر بزرگ انقلاب

طاهره و خواهر زینت احمدی نبلی شناخته می شد و حال عنوان طاهره دباغ برای او به یادگار مانده است. مرضیه دباغ پس از پیروزی انقلاب اسلامی به کشور بازگشت و به عنوان اولین فرمانده سپاه غرب کشور بعد از انقلاب در نابودی سازمان هایی نظیر کومله و حزب دموکرات کردستان نقش ایفا کرد.

در ۱۱ دی ۱۳۶۷ مرضیه حدیدچی همراه با آیت الله جوادی آملی و محمد جواد لاریجانی حامل نامه امام به گورباچف بود.

از دیگر فعالیت های او می توان مسئولیت بسیج خواهران کل کشور، تدریس در مدرسه شهید مطهری، عضویت در شورای مرکزی جمعیت انقلاب اسلامی، مدرس واحد معارف اسلامی دانشگاه علم و صنعت و قائم مقام دبیر کل جمعیت زنان جمهوری اسلامی نام برد. او که از مبارزان دیرین و سابقون السابقون انقلاب اسلامی و نمادی از زنان مسلمان فعال در همه عرصه های اجتماعی ایران بود و در حالی که از بیماری قلبی رنج می برد در سن ۷۸ سالگی؛ صبح ۲۷ آبان ماه ۱۳۹۵ در بیمارستان خاتم الانبیاء (ص) دار فانی را وداع گفت.

۲۱ خرداد سال ۱۳۱۸ بود که طاهره دباغ در خانواده ای مذهبی و فرهنگی در همدان متولد شد. تحصیلات خود را از مکتب خانه آغاز کرد و با کمک پدرش قرآن و نهج البلاغه را یاد گرفت. مرحومه دباغ در سال ۱۳۳۳ با محمدحسن دباغ ازدواج کرد و این ازدواج سرآغاز تحولات زندگی او بود. او که از شاگردان آیت الله سعیدی بود، فعالیت های سیاسی خود را با پخش و توزیع اعلامیه های امام خمینی (ره) آغاز کرد. پس از شهادت آیت الله سعیدی، دباغ زیر نظر مجتبی صالحی فعالیت های خود را در راستای اهداف انقلاب ادامه داد. دباغ که مادر هشت فرزند بود در سال ۱۳۵۲ توسط ساواک دستگیر شد و چند روز بعد نیز دخترش رضوانه به دلیل داشتن دفتر سرودی با مضامین انقلابی دستگیر شد.

ساواک پس از شکنجه های فراوان در حالی که از زنده ماندن او نا امید بود او را آزاد کرد. دباغ پس از آزادی تحت عمل جراحی قرار گرفت و از مرگ نجات پیدا کرد. اما پس از چند ماه دوباره دستگیر شد. پس از هجرت امام (ره) به پاریس در سال ۱۳۵۷ به یاران ایشان پیوست و لحظاتی گرانمایه را برای خود رقم زد. مرضیه حدیدچی در خارج از کشور با عناوین خواهر دباغ، خواهر



محسن کاظمی کتاب خاطرات این بانوی رزمنده را از طریق گفتگو با وی و سایر منابع تدوین کرده است. این کتاب با دستنوشته ای از خانم حدیدچی آغاز و پس از مقدمه و پیش گفتار در ۵ فصل با عناوین سریان، هجرت، امواج، سیاحت شرق و پیوست ها تنظیم شده است. سرگذشتی از کودکی، آشنایی با اندیشه های امام خمینی (ره)، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، تحصیل در محضر آیت الله سعیدی و شروع مبارزات، دستگیری و شکنجه توسط عوامل شاه در سال ۱۳۵۲، هجرت به انگلستان و فعالیت های سیاسی در انگلیس، سوریه و لبنان، عزیمت به نوفل لوشاتو، فرماندهی سپاه پاسداران همدان و عزیمت به مسکو برای ابلاغ پیام حضرت امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچف از جمله موضوعاتی است که در کتاب خاطرات مرحوم حدیدچی گردآوری شده است. در ادامه بخشی از کتاب خاطرات مرحوم دباغ که از زبان خود او گفته شده است را میخوانیم.



مرضیه حدیدچی دباغ

کمیته مشترک ضد خرابکاری ساواک

می کوفتم، فکر می کنم زبانم بریده بود که خون از دهان می آمد؛ دیگر نای فریاد و تحرک نداشتم، بهت زده به جسم بی جان دخترم از آن سوراخ در می نگریستم... ولی هنوز از قلمم شرحه شرحه خون می جوشید.

ساعت ۷ صبح آمدند و پیکر بی جانم را داخل پتویی گذاشتند و بردند. تصور اینکه رضوانه جان از کالبد تهی کرده و مرده باشد، منفجر می کرد، چنان که اگر کوه در برابرم بود متلاشی می شد، به هر چیز جنگ می زدم و سهمگین به در می کوفتم و فریاد می زدم: «مرا هم ببرید! می خواهم پیش بچه ام بروم! او را چه کردید؟ قاتل ها! جنایتکارها...» در همین حین و بیصص صوت زیبای تلاوت قرآن میخکوبم کرد: «واستعینوا بالصبر والصلوة» و انها الکبیره الا علی الخاشعین». آب سردی بر این تنوره گر گرفته ریخته شد، صوت قرآن چنان زیبا خوانده می شد که گویی خدا خود سخن می گفت و خطایم قرار می داد و مرا به صبر و نماز فرامی خواند.

بر زمین نشستم و تازه به خود آمدم و دریافتم که از دیشب تاکنون چه اتفاقی روی داده است. صدا، صدای آیت الله ربانی شیرازی بود که خیلی سوزناک دلداریم می داد.

چون مارگزیده ای به خود می پیچیدم. صدای جیغ ها و ناله های جگرسوز رضوانه قطع نمی شد. سکوت شب هم فریادها را به جایی نمی رساند. ناگهان همه صداها قطع شد... خدایا چه شد؟! هراس وجودم را گرفت. دلهره، راه نفس کشیدنم را بند آورد! تپش قلبم به شماره افتاد! خدایا چه شد؟! چه بر سر رضوانه آوردند؟!!

ساعت ۴ صبح که چون مرغی پرکنده هنوز خود را به در و دیوار سلول می زدم... صدای زنجیر در را شنیدم... به طرف سلول خیز برداشتم. وای خدایا این رضوانه است که تکه پاره با بدنی مجروح، خونین، دو مامور او را کشان کشان بر روی زمین می آورند. آن قطعه گوشت که به سوی زمین ها رها شده رضوانه! جگر پاره من است.

هر آنچه که در توان داشتم، به در کوفتم و فریاد کشیدم، آن چنان که کنگره آسمان به لرزه درآمد، هر چه که به دستم می رسید دندان می کشیدم، آنقدر جیغ زدم که بعید می دانم در آن بازداشتگاه جهنمی کسی صدایم را نشنیده و همچنان در خواب باشد. وقتی دیدم سطل های آبی که بر روی او می پاشند، او را به هوش نمی آورد و بیدارش نمی کند؛ دیگر دیوانه شدم، سر و تن و مشت و لگد بر هر چیز و همه جا

جهش را دنبال کنید:

@jahesh_cfu



jahesh_cfu • Following



انقلاب ما انقلاب آرمان هاست
نه انقلاب تسلیم به واقعیت ها.

ما انقلاب کردیم که واقعیت ها را عوض کنیم،
نه اینکه واقعیت ها را هر چه هست بپذیریم.



شهید بهشتی:

انقلاب ما انقلاب آرمان هاست، نه انقلاب
تسلیم به واقعیت ها.

ما انقلاب کردیم که واقعیت ها را عوض
کنیم. نه این که واقعیت ها را هر چه هست
بپذیریم.

#چهل سالگی انقلاب



نقاشی وداع حضرت علی (ع) با حضرت زهرا (س)، حسن روح الامین

مثل پیامبر...

لحظه هایی بس باشکوه و پرهیبت و با این همه، دردناک و درد زا بود؛ لحظه هایی که اگر نبود، هیچ لحظه ای از لحظه های تاریخ به بلوغ مضمونی و حماسی خویش نرسیده بود... فاطمه وارد مسجد شد و در محل سخن گفتن قرار گرفت. با نخستین جمله هایی که بر زبان راند مدینه منفجر شد، بلکه تاریخ، نه تنها مسجد... ناله های سوزان مردم، سوز روحی و ژرف فاطمه را منعکس میکرد و دیوارهای شهر مدینه را میسوزاند... و گریه امان خلق را بریده بود...

فاطمه چه گفت؟ قرآن - علی، عدالت - انسان...

مدینه چه شد؟ سراپا لرزه و استماع...

در آن روزها که علی (ع) نمی توانست دست به شمشیر ببرد، فاطمه (س) از سخن، شمشیری ساخت آتش بیان و حق نشان که هم خونی ریخته نشد و هم حقیقت را تا ابد بر لوح زمان ها ثبت کرد.

محمدرضا حکیمی، مرام جاودانه، ص ۱۰۴

در مدینه پیچید که دختر پیامبر می خواهد با مردم سخن بگوید، مردم گویی چند برابر گنجایش مسجد پیامبر، در مسجد و اطراف آن گرد آمدند تا سخنان فاطمه را بشنوند. برای ورود دختر پیامبر و ناموس کبرای الهی در میان مردم و صحن مسجد، در گوشه ای از مسجد پرده ای آویختند، و فاطمه (س) در میان زنان مؤمن و محترم آل هاشم که در دو طرف او حرکت میکردند، وارد مسجد شد؛ فاطمه مانند پیامبر گام برمیداشت. مردم گویی صدای پای پیامبر را میشنیدند و هنگامی که به سخن گفتن آغاز کرد گویی صدای پیامبر به گوششان میرسد.

فاطمه روزی که میخواست متولد شود، بزرگترین زنان تاریخ آفرینش از جمله مریم مقدس از آسمان آمدند تا خدیجه کبری تنها نباشد و فاطمه در آغوش آنان متولد شود، اکنون نیز که میخواست تاریخ را دوباره متولد کند، ارواح آدم و نوح ابراهیم و موسی و عیسی و جبرئیل و میکائیل، او را بدرقه میکردند، گویی عالم ملکوت الهی به زمین آمده بود و با فاطمه گام برمیداشت...

قول های دو هفته ای دکتر به کجا رسید؟

روز دانشجو، نشریه جهش با سرپرست دانشگاه فرهنگیان مصاحبه ای داشت که طی آن چند قول از ایشان گرفت.

وعده هایی که قرار بود طی دو هفته یعنی، نهایتاً تا اوایل دیماه ۹۷ اجرا شود؛ اما هیچ نشانه ای از آنها دیده نشد. دو منویی شدن غذا، تشکیل کارگروه رونق ازدواج دانشجویی، کمیته فرهنگی دانشجویی و هر دانشجوی معلم یک مهارت.

می توانید از طریق صفحات مجازی جهش انتقادات و پیشنهادات و مشکلات دانشگاهی خود را برای ما بفرستید تا از طریق نشریه پی گیری شود.

همچنین می توانید آرشیو نشریه جهش را در کانال های مجازی ما دانلود کنید.



@jahesh_cfu

سیاسی کاری در دانشگاه؟

مدیر کل آموزش و پرورش فارس در روز دانشجو خطاب به دانشجویان دانشگاه فرهنگیان این استان گفت: اگر بناست استاندار، رئیس هیئت امنای دانشگاه فرهنگیان استان باشد و مدیرکل، نایب رئیس هیئت امنای؛ مسئولین دانشگاه فرهنگیان در استان هم باید با نظر آنها تعیین بشود و انتخاب و انتصاب شود. این شرط اصلی کار است. زمانی همکاری صورت می گیرد، که همدلی باشد، تفکرات و نگرش ها در یک سمت و باهم همسو باشد. اشکالی که امروز دانشگاه فرهنگیان دارد این است. اگر بخواید رابطه مدیریتی دانشگاه فرهنگیان در مرکز با ادارات کل آموزش و پرورش به سبک و سیاقی که امروز است باقی بماند امید چندانی به حل مشکلات نیست.

مدیر کل علنا اعلام میکند قانون بالادستی را قبول ندارد و اینطور که پیداست به دنبال سهم خواهی و سیاسی کاری در دانشگاهی است که به قول رهبر انقلاب، برای این مجموعه سم مهلک است. ظاهراً ایشان هرگونه کمک به توسعه دانشگاه را نه از روی انجام وظیفه، بلکه با هزار منت انجام می دهد.

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان فارس

مدیر مسئول: علیرضا شبانی

سرمدیر: عباس نعمتی

نویسندگان این شماره:

علیرضا آقایی پور

رسول برامکی

محمد امین صیادی

محمد نظری پور

حمیدرضا راسخ

عباس نعمتی

علیرضا شبانی

از دانشجویانی که مایل به همکاری هستند، دعوت می کنیم تا از طریق نشانی زیر در شبکه های اجتماعی با ما در ارتباط باشند.

۰۹۳۰۱۲۰۷۲۷۴

@jahesh_cfu